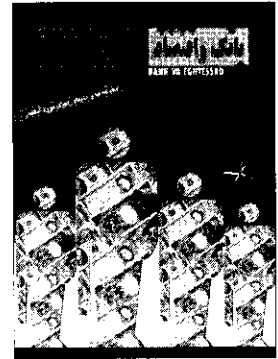


انتظارات از یکسان سازی نرخ ارز

دکتر غلامحسن عبیری



مقدمه

پول، چهار ویژگی دارد: وسیله مبادله است، واحد اندازه گیری حساب‌ها است، معیاری برای پرداخت بشمار می‌رود و سرانجام، ارزش‌ها را ذخیره می‌کند. در دنیای معاصر، از یک نظام پولی بدون پشتوانه^(۱) (Fiat Money) استفاده می‌کنیم. شکل‌های مختلف پول هم شامل اسکناس، سپرده‌های بانکی کوتاه‌مدت و درازمدت، سهام و ارزهای خارجی است. نگاه Keynesians به ساختار این است که اقتصاد تثبیت شده نیست و مداخله فعال دولت برای دستیابی به ثبات (Stability) الزامی است، در حالیکه Monetarists، اقتصاددانان کلانی بشمار می‌روند که بیشترین اهمیت را به نوسانات مقدار پول به عنوان عامل تعیین کننده تقاضای کل (Aggregate Demand) برای دستیابی به تثبیت می‌دهند^(۲).

برخورد این دو دیدگاه در دو دهه ۱۹۵۰ و ۱۹۶۰ اثربخشی سیاست مالی و سیاست پولی در تغییر موقعیت تقاضای کل را منعکس می‌ساخت. طرفداران این سیاست‌ها با توجه به منحنی تقاضای سرمایه‌گذاری و منحنی تقاضا برای پول واقعی (Real Money) روش‌های متفاوتی را برای تحلیل مطرح می‌کنند و هر یک مدعی‌اند که این شرایط در دنیای واقعی روی می‌دهد. اثربخشی نسبی سیاست مالی و پولی، به حساسیت نرخ بهره سرمایه‌گذاری و تقاضا برای مقدار پول بستگی دارد و این در شرایطی است که همه چیز ثابت باشد. اما در دنیای واقعی، اقتصاد کشورهای در حال توسعه، به ویژه ایران که سرمایه‌گذاری‌های جنبه القایی دارد و با یک اقتصاد برنامه‌ریزی شده دولتی و از محل درآمدهای نفتی تأمین می‌شود، معنی و مفهوم سیاست‌های پولی و مالی متفاوت است.

هدف از مطالعه نظری یکسان‌سازی نرخ ارز، با تجربه ربع قرن تورم دورقمی، با جابجایی کامل قدرت طی همین دوره و اولین آزمون تثبیت نرخ ارز در اوایل

دوران سازندگی^(۳) (۷۶-۱۳۶۸)، به منظور جذب سرمایه‌های خارجی (Foreign Tied Aid) و اثرات تورمی و تغییر ساخت طبقات اجتماعی، با توجه به این واقعیت که ثروتمندان مرفه‌تر و طبقات محروم، ضعیف‌تر شده‌اند، بررسی شرایط جدیدی است که بار دیگر زمینه یکسان‌سازی نرخ ارز را با حداقل تأثیرات منفی جانبی و حداکثر استفاده از ایجاد شرایط تثبیت بوجود آورده است. انتظار این است که این بحث نظری بتواند نقاط حساس تأثیرگذاری را برای سیاست‌گذاران روشن سازد تا با تدابیر جانبی جلوی انحرافات اساسی گرفته شود.

هدف

در چارچوب یک برنامه درازمدت، انتظار این است که در برابر خواسته‌های بانک جهانی و صندوق بین‌المللی پول و سایر نظام‌های بین‌المللی اقتصادی، برای ورود به سازمان جهانی تجارت و استفاده مطلوب از امکانات، نرخ مسؤثر ارز (Effective Rate of Exchange) برای قراردادهای توسعه همکاری به نحوی تعیین شود که ارزش آتی سرمایه‌گذاری‌ها یا توجه به ارزش فعلی و نرخ بهره با سهولت و اطمینان بیشتری قابل محاسبه باشد.

اگرچه در یک ساختار اقتصاد برنامه‌ریزی شده دولتی، چند درصد بالا بردن یا پایین آوردن نرخ‌های تبدیل چندان کار دشواری نیست و سرانجام، کارشناسان دولتی با تجربه از عهده آن برمی‌آیند، اما واقعیت این است که همین نیروهای کارشناسی نیز علاقمندند که ببینند در درازمدت نتایج سیاست‌گذاری‌ها - حداقل طی یک دهه گذشته - چه فجایعی را به دنبال داشته است.

واقعیت آنست که به علت ناپایداری مدیریت اقتصادی در کشور^(۴)، چنان با سرعت سال پایه آمارها که مبانی تعیین شاخص‌ها هستند، تغییر می‌کند و جابجایی‌ها به سرعت صورت می‌گیرد که آثاری از چگونگی پایه‌ریزی سیاست‌ها بر جای نمی‌ماند. به قولی، یا کارشناس رفته یا ساختار اداری تغییر کرده و یا مکتوبات بایگانی شده است و اگر مرد میدانی پیدا شود که حاضر به

○ در اقتصاد کشورهای در حال توسعه، به ویژه ایران که سرمایه‌گذاری‌های جنبه القایی دارد و با یک نظام برنامه‌ریزی شده دولتی از محل درآمدهای نفتی تأمین می‌شود، معنی و مفهوم سیاست‌های پولی و مالی متفاوت است.



هدف نیز مشخص است، اما باید پرسید که میانی این سیاست پولی حول کدام محور به حرکت در می‌آیند؟ آیا بخش‌های مختلف اقتصادی و بازارها هر یک به تنهایی خود را با شرایط جدید به سهولت تطبیق خواهند داد و نظریهٔ تئوری عمومی والراس خط مقدم تغییرات می‌باشد؟ یا برعکس، سیاست پولی یکسان‌سازی نرخ ارز، نیازمند سیاست‌های مالی متناسب است که در شرایط عدم تعادل به عنوان بازوی اجرایی هدایت اقتصاد را عهده‌دار شود؟

در محافل سیاسی، بحث اقتصاد بیمار ایران (۶)، موضوع بسیار آشنایی است و همه از آن در رنج هستند. عده‌ای امید دارند که سیاست پولی فوق‌الذکر بتواند داری مؤثری برای این بیماری باشد، اما نکته جالب توجه آنکه نوع بیماری اقتصاد این ملت مظلوم مشخص نیست و چون سال‌هاست این بیماری را تحمل نموده‌اند، لذا این باور عمومی بوجود آمده است که این بیماری به هر حال خوش‌خیم است و جای نگرانی وجود ندارد. اما در محافل اجتماعی (۷)، امیدها بر باد رفته و بحران‌ها و تنش‌های پی در پی عملاً اذهان را از کنش‌ها و واکنش‌های سیاستگذاری در اقتصاد دور کرده است. در این شرایط هر چه تلاش کنیم که آن‌ها را بر این باور همسو سازیم که اقتصاد سالم داری تمامی دردها است، باز مورد پذیرش نیست و همچنان این ساز نواخته می‌شود که تا با ابرقدرت‌ها کنار نیایم، هیچ چیز درست نمی‌شود. وای کاش قدری تأمل می‌کردند و تحمل، که خود این سیاست‌ها نیز ابزار آشتی با جهان اقتصاد و اقتصاد جهان است.

اما در محافل فرهنگی دو نظریه غالب است: اول آن‌انکه مسیر را در راستای انحطاط می‌بینند و در حفظ ارزش‌ها از "پاپ هم کاتولیک‌تر می‌شوند" و دوم، گروهی که مسایل فرهنگی را در اولویت نمی‌بینند و اقتصاد را به عنوان زیربنای تمامی حرکت‌ها شناسایی می‌کنند. در هر حال، واقعیت این است که مصرف هم فرهنگ خاص خود را دارد و مهمترین متغیر اقتصاد در سطح کلان است. حال، باید پرسید که سیاست پولی چگونه انگیزه‌های مختلف مردم را تحت تأثیر قرار می‌دهد تا در امور مختلف اقتصادی - از سرمایه‌گذاری تا پس‌انداز - راه‌های مختلف را شناسایی کنند؟ این پرسش محدوده‌ای است که ترجیح می‌دهند به آن فکر نکنند. به عبارت ساده‌تر، اقتصاد را از فرهنگ جدا می‌کنند تا بیماری اقتصاد، فرهنگ را بیمار نسازد.

در هر صورت، همان‌طور که ما اقتصاد را به بخش‌های مختلف تقسیم کرده‌ایم و کسی را اجازه دخول نمی‌دهیم که "محور مشخص است" و بروید چانه را جای دیگری بزنید! "علمای اجتماع نیز هر یک حوزه‌ای را تصرف کرده‌اند و بکار خویش مشغولند و هر گاه صدایی برآید و به هوش آورد، آنگاه سر و صداها بلند خواهد شد

تحقیق و بررسی باشد، آنقدر در میان آمارها و ارقام سرگردان خواهد شد تا یک نوع اختلال او را از ادامه فعالیت باز دارد.

اما به قول شاعر ایرانی:

همت بلند دار که مردان روزگار

از همت بلند به جایی رسیده‌اند ما هم مبنای بر این گذاشته‌ایم که با همتی بلند، پرسش‌هایی را مطرح کنیم، باشد که گوش شنوایی پیدا شود و به ابهامات پاسخ دهد. مفروضات اساسی عبارتند از (۵):

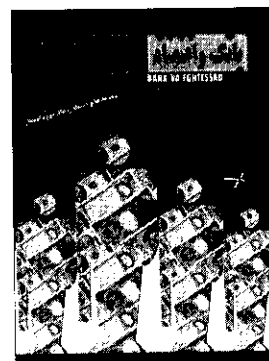
- اقتصاد ایران از یک ساختار برنامه‌ریزی دولتی برخوردار است.
- نظام بانکداری استقلال نداشته و تابع برنامه‌های دولت است.
- مالکیت خصوصی در قانون اساسی لحاظ شده است.
- تعداد معدودی سرمایه‌دار، بخش قابل توجهی از ثروت کشور را در کنترل دارند.
- جمیع اعداد ممکنه در چارچوب نظام سیاسی فعال هستند.
- سودآوری سرمایه‌گذاری بخش خصوصی، تابع میزان یارانه‌ها و تسهیلات اعتباری تکلیفی است.
- تعداد معدودی کارخانه بزرگ، مسوولیت رشد بخش صنعت را عهده‌دار هستند.
- مکانیسم قیمت‌گذاری منابع اقتصادی، وظایف خود را به درستی انجام نمی‌دهد.
- انحصار در کلیه بازارها و مراکز قدرت، قابلیت‌ها و توان مردم را محدود ساخته است.
- اقتصاد بر مبنای درآمدهای نفتی پایه‌ریزی شده است.
- نرخ رشد جمعیت بالا است.
- جامعه با بیکاری مزمن روبرو است.

با وجود این، یکسان‌سازی نرخ ارز به عنوان یک سیاست مشخص و معین پولی می‌بایست در شرایط سیاسی (محاصره نظامی) اجتماعی (گسترش فقر و فساد) فرهنگی (دوگانگی و چندگانگی) یا به عرصه وجود بگذارد. تلاش کلیه متخصصان علوم اجتماعی از یکسو، و مدیران سیاسی از سوی دیگر، در این راه می‌باشد که با کمترین تعارض این سیاست را مثل گذشته پشت سر گذارند تا فعالیت جامعه در سطح جهانی گسترش بیشتری یابد و از آن طریق بر معضلات فائق آیند.

میانی سیاست

اگرچه به اختصار مفروضات اساسی مطرح شدند و

آیا یکسان‌سازی
نرخ ارز داری
مؤثری برای درمان
اقتصاد بیمار ایران
خواهد بود؟



که "تا این مردم مسوولیت شناس نشوند و به قانون احترام نگذارند، هیچ کاری درست نخواهد شد"^۸

حال، چند صد سال باید بگذرد تا مردم قانونمدار شوند، خود بحث مجزایی است، زیرا قوانین علوم اجتماعی - از اقتصاد تا جامعه‌شناسی - هیچیک در برابر قوانین قوه مقننه یارای مقامت نخواهند داشت و باید چشم‌ها به جای دیگری دوخته شود.

مراد آن که مبنای سیاست نرخ ارز تمامی حوزه‌های اجتماعی را شامل می‌شود و بر همه چیز اثر خواهد گذاشت و چون این ملت، ملت با صبر و حوصله‌ای است، بنابراین، نتایج هر چه باشد، مردم با آن سازگار می‌شوند^(۸).

دامنه تأثیرات

نرخ ارز، یعنی رابطه مبادله پول ملی با سایر ارزهای جهانی. دامنه تأثیرات بر اساس تجربه دو دهه گذشته، شامل تورم افسارگسیخته و فرار سرمایه همراه با بیکاری است، که هر یک نیز تأثیرات جانبی بر رفتار مردم گذاشته است، از چک برگشتی و زندان گرفته تا فقر و محرومیت که ایمان مردم را تضعیف کرده است.

بحران اصلی از خسارات ناشی از جنگ فرسایشی و تحمیلی هشت سانه شروع شد و افزایش نرخ رشد جمعیت همراه با خروج متخصصان با سرمایه هم اندکی بحران را تشدید کرد. سپس با هدف حفظ انسجام ملی و حمایت از محرومان، سیاست تزریق یارانه، با مدیرونی نه چندان قوی، بیست و اندی سال است که دنبال شده و می‌شود. هم‌چنین به منظور جلوگیری از گسستگی جامعه، پرداخت یارانه از طریق ارز ارزان همواره دنبال شده است، تا در یک مرحله چند نرخ بودن قیمت ارز به یکسان‌سازی یا دو نرخ شدن تبدیل شد. اما از آنجا که احساس از هم پاشیدگی وجود داشت، لذا این سیاست به مدت یک دهه دنبال شد تا مردم خود را برای تغییرات بعدی آماده سازند، غافل از آنکه طی این دوره جمعیت به طور فاحشی افزایش خواهد یافت و دولت با هزینه‌های تشریفاتی آنچنانی - که بخشی از آنها ضرورت قهر زمان است و بخش دیگر قهر رفتاری - از پس هزینه‌ها بر نخواهد آمد و با چندین مورد اختلال رفتاری مانند ارتش، زمینه گسترش فاصله بین مردم و دولت فراهم می‌آید.

بدین ترتیب، هر کس اهداف شخصی خود را مقدم بر اهداف جامعه دانست و تفکر مرکنتالیست‌ها یا سوداگری همچون مکتب پیشگام جامعه شناخته شد. در این شرایط، اقتصاد کلان کشور توان پیگیری و ایفای رسالت اهداف خود را که همانا پایین نگهداشتن تورم، توزیع مجدد ثروت، ایجاد رابطه بین نرخ سود با تورم و ایجاد اشتغال کامل بود، از دست داد.

○ مبنای سیاست نرخ ارز تمامی حوزه‌های اجتماعی را در بر می‌گیرد و بر همه چیز اثر خواهد گذاشت

تجربه تثبیت یا یکسان‌سازی قبلی از نظر نرخ رشد اقتصادی چون با ورود سرمایه‌های خارجی روبرو بود و تحریم اقتصادی آمریکا نیز مزید بر علت بشمار می‌آمد، لذا در صورت ظاهر، ابتدا نرخ رشد اقتصادی حتی دو رقمی را به علت استفاده از ظرفیت‌های موجود منعکس ساخت، ولی به سرعت این رشد به کمترین حد ممکنه رسید. البته در مرحله نخست، توزیع کالاهای اساسی یارانه‌ای به منظور کمک هزینه زندگی، با طبیعتی که مردم داشتند و حرمتی که برای ملت قایل بودند، با بردباری پذیرفته شد، هر چند که آسیب‌های اجتماعی فراموش‌نشده‌ای را به دنبال داشت.

حال، تجربه دوم در جهت یکسان‌سازی نرخ ارز برای رویارویی با بازار آزاد تجارت جهانی آغاز شده است، تجربه‌ای که مدت‌ها مورد بررسی قرار گرفته و امید آن می‌رود که این گام مهم به سهولت برداشته شود.

آیا حاصل این تصمیم، رشد اقتصادی بالاتر است؟ یا مکانیسم قیمت‌ها احیا خواهد شد؟ واقعیت این است که توجه مسوولان به سوی مردم جلب شده است، مردمی که زیر خط فقر گرفتار آمده‌اند. حتی اگر این تصمیم به اصلاح رفتار سرمایه‌گذاران منجر شود و آنان از فعالیت‌ها و پروژه‌های ضرر ده فاصله بگیرند، باز هم زیربناهای یک اصلاح اساسی پایریزی شده است. اما اکنون تمامی چشم‌ها به دامنه تأثیرات یکسان‌سازی نرخ ارز دوخته شده و این سؤال مطرح است که در این مسیر سرانجام مسافران در کدام ایستگاه به مقصد خواهند رسید؟ بدیهی است که اندیشه درست و حمایت از این سیاست، مسیر تحولات آتی جامعه را تحت تأثیر قرار خواهد داد و لذا هر گونه همکاری در اجرای بهتر آن از جمله تعهدات بشمار می‌رود.

اثر بخشی سرمایه‌ها

ماحصل یک دهه سرمایه‌گذاری و ساختن صدها شهرک صنعتی، با امیدها و آرزوهایی همراه بود که گرچه بخشی از آنها تحقق یافت، اما بخش غالب طرح‌ها با تغییر سیاست‌های کلان از سال ۱۳۷۶ به بعد با کندی دنبال شدند^(۹). اکنون انتظار خوش‌بینانه این است که با اتخاذ سیاست یکسان‌سازی نرخ ارز، تخصیص منابع از حالت فرمایشی و تکلیفی خارج شود، دولت کمتر مداخله کند، و نرخ تورم مورد انتظار نیز به آرامی و با اصلاح ساختارهای مصرف، بهره‌وری و سرمایه‌گذاری همسو شود. مدل اثر بخشی آن نیز با توجه به انتخاب مکاتب مختلف اقتصادی می‌تواند با تقدم و تأخر یک عامل بر عامل دیگر عمل نماید. اما اگر یکسان‌سازی نرخ ارز بر مبنای نرخ حقیقی مبادله، موازنه پرداخت‌ها را به تعادل برساند و جلوی افزایش ذخایر ارزی را با هدف

تولید و توزیع آشکار سازند.

چیران خسارات

تجربه‌ها آموزنده هستند، هر چند که به سهولت از کنار آن‌ها عبور می‌کنیم. هماهنگی با سیاست‌های جهانی الزامی است و ما را از تنگناها بیرون می‌آورد، اما شایستگی برای ورود به جهان آزاد نیز از ضروریات است. مطمئناً تمهیدات لازم از طریق کارشناسان با بررسی آمارها به دفعات و از مجاری مختلف صورت گرفته است و از این رو، در برنامه پنج ساله توسعه این سیاست لحاظ شده است. اما رویدادهای اخیر منطقه غیرمنتظره بوده و مطمئناً بر ساختارهای جامعه، به ویژه بر اقتصاد تأثیرگذار خواهد بود. افزایش هزینه‌های دفاعی، مسأله مهاجران افغان و لزوم توجه به مسایل بین‌المللی ممکن است توجه سیاستمداران را از نحوه اجرای سیاست‌های پولی و پیامدهای آن منحرف سازد. از این رو، لازم است برای موفقیت در سیاست‌های بین‌المللی به حفظ تعادل اقتصادی در داخل جامعه اولویت بیشتری داده شود.

فراموش نکنیم که طی دو دهه گذشته مردم نهایت همکاری را - چه در جبهه جنگ و چه در مسیر سازندگی - از خود نشان داده‌اند، لیکن نسبت به این رویه‌ها کسی قدرشناس نبوده است. شاید هم کاری از دست کسی بر نمی‌آید و مجبور بودیم خسارات انسانی را تحمل کنیم. شکی نیست که اشتباهات و سوء رفتارها زیاد بوده و با توجه به امکانات و نگرش‌ها چاره‌ای جز تسلیم نبود. اما امروز، زمان آن رسیده است که به مردم هم حق بدهیم و آن‌ها را از این همه تشویش و نگرانی بیرون آوریم. در حقیقت، پایین بودن بهره‌وری، ناشی از اختلال‌های ایجاد شده در رفتار مردم است، در غیر این صورت، با این دستمزدها نباید بنگاه‌های اقتصادی ضررده باشند، مگر اینکه واقعیت چیز دیگری است و اساس کار همانا پنهان‌کاری برای پرهیز از انجام وظایف محوله می‌باشد.

طبیعی است که اگر همه چیز مطابق برنامه پیش برود، ظرف چند ماه آینده نرخ تعادلی ارز در یک سطح قابل قبول کارشناسی تثبیت خواهد شد، اما اگر این نرخ با توان اقتصادی و در ارتباط با سایر قیمت‌های عوامل تولید همگن و سازگار نباشد، باز در عمل نرخ ارز در بازار آزاد در سطحی فراتر عمل خواهد کرد و نتایج چندان رضایت‌بخش نخواهند بود. و برعکس، اگر نرخ ارز چنان انتخاب شود که رضایت مردم فراهم آید، همین مردم در چرخه‌های دیگر که نقش نیروی کار و سرمایه‌گذار را عهده‌دار هستند، در تداوم تثبیت و خروج از بحران پیشقدم خواهند شد. لذا باید مردم با قیمت‌های واقعی روبرو شوند و قدرت خرید آن‌ها افزایش یابد.

تطابق رفتاری مصرف‌کننده و سرمایه‌گذار در یک دوره میانمدت - سه تا پنج سال - سد کند، شرایط برای انعطاف‌پذیری شاخص قیمت‌ها، دستمزدها، نرخ بهره و رسیدن به قیمت‌های تعادلی فراهم می‌شود.

در این راستا، استفاده از ظرفیت‌های ناتمام سرمایه‌گذاری‌ها و شرایط برای ورود سرمایه‌گذاران خارجی مهیا خواهد شد. مدیریت اقتصادی نیز حفظ شرایط تعادلی در کلیه بازارها و همسویی عملکرد سیاست‌های مالی با سیاست‌های پولی است. دستیابی به این مهم نیز به منزله حذف بازار سیاه، حذف بازار قاچاق و جلوگیری از اختلال در تنظیم بازار خواهد بود.

درک هر چه بهتر بازار برای تطبیق با این اصلاحات، پیشگام نمودن بخش بازرگانی و توزیع برای عرضه کالاها با کمترین قیمت رقابتی است. انتظار این نیست که طی انجام این سیاست‌ها تمامی بنگاه‌های اقتصادی بهره‌مند شوند، یا برعکس از فعالیت بازداشته شوند، بلکه هدف آماده‌سازی بنگاه‌ها برای بکارگیری تمهیداتی است که در شرایط رقابتی، ارزیابی درستی از عملکرد خود داشته باشند و چنانچه مبانی فعالیت‌ها به گونه‌ای منطقی طراحی نشده‌است، بر اساس تغییر ترکیب عوامل تولید، زمینه اقتصادی شدن کارها و عبور از نقطه سر به سر فراهم آید.

تأکید اصلی بر این است که بنگاه‌های اقتصادی در یک نظام آزاد تجاری، ارزیابی صحیحی از اقدامات خود داشته باشند تا صدها میلیون تصمیم‌گیری اقتصادی به طور همزمان به سوی انجام مسوولیت‌های خود هدفگیری شوند. طبیعی است که بخش اندکی از بنگاه‌های اقتصادی محکوم به ترک بازار هستند، اما همین خروج از بازار نیز در هدایت عوامل تولید به سوی فعالیت‌های سودآور اثر خواهد گذاشت و از انبار کردن و اتلاف منابع - زمین، سرمایه، نیروی کار - جلوگیری خواهد شد. لذا تعطیلی، اعتصاب، تهدید و جوسازی‌ها نباید نظام بانکداری را از هماهنگ‌سازی خود با سیاست‌های بین‌المللی دور سازد.

طبیعی است که ناآرامی‌هایی گزارش خواهد شد، درگیری‌هایی بوقوع خواهد پیوست و تنش‌هایی را مشاهده خواهیم کرد، اما گذر از بحران اقتصادی موجود، مقدم بر تمامی مسایل خواهد بود، ضمن آنکه می‌توان از ذخایر ارزی موجود در تنظیم و روانسازی امور بهترین استفاده را بعمل آورد. اقدامات مطلوب برای کسب مالیات در شقوق مختلف نیز اهرم مناسبی برای تنظیم حرکت‌های بازار است.

اینک معنی و مفهوم سرمایه در شکل گسترده آن - اعم از مادی و معنوی - مطرح است و کلیه عوامل تولید، در واقع، سرمایه‌هایی هستند که قابل تبدیل به نقدینگی می‌باشند و این سرمایه‌ها باید اثربخشی خود را بر چرخه



○ بیست و اندی سال است که به منظور حفظ انسجام ملی و حمایت از محرومان، سیاست تزریق یارانه - بسا مدیریتی نه چندان قوی - دنبال شده و می‌شود.



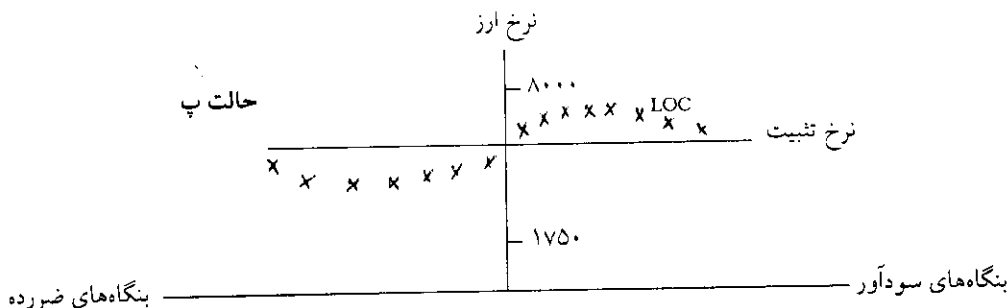
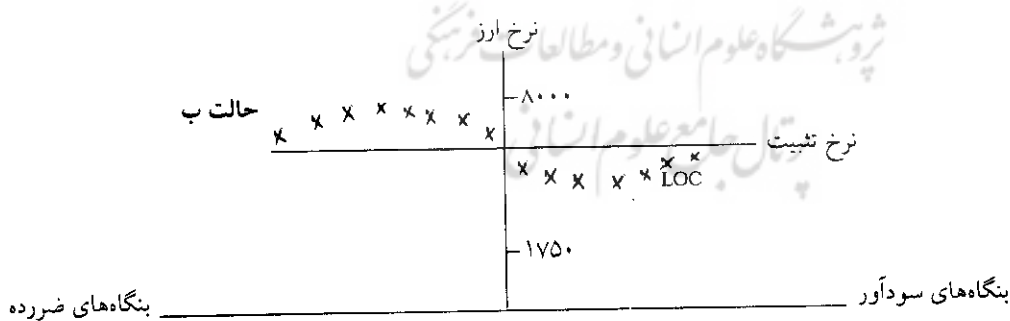
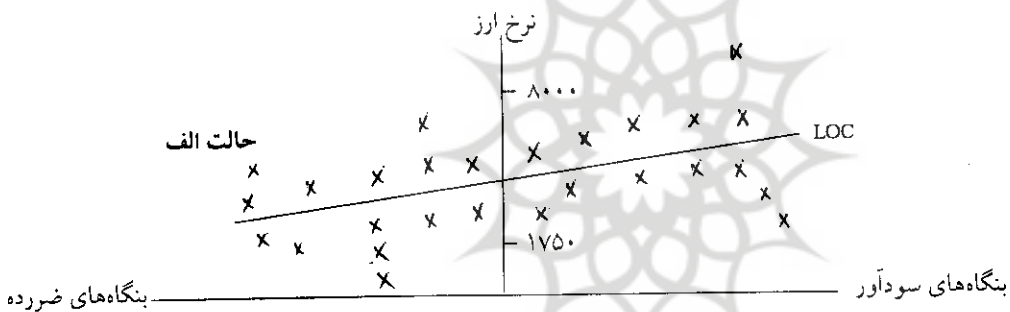
لازم به ذکر است که بحران نظامی منطقه ممکن است توفیق ما را در امر صادرات کالاهای غیرنفتی به سهولت مهیا نسازد، لذا از سطح تقاضای کلان مردم در ساختار اقتصادی نباید غفلت کرد و با وجود این جمعیت گسترده، انبار کردن کالاها و بلااستفاده ماندن واحدهای مسکونی به بهانه قیمت‌های تصنیی بالا، جز اتلاف منابع هیچ چیز نیست. از اینرو، انتظار معقول این است که با اجرای یکسان‌سازی نرخ ارز، تورم مهار شود، نیروی کار مورد سوء استفاده قرار نگیرد و جریان سرمایه‌گذاری شتاب بیشتری پیدا کند.

درک موقعیت

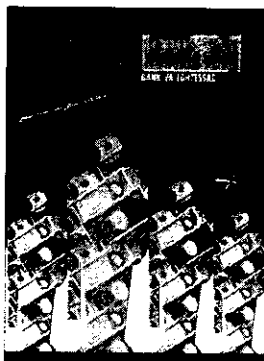
در چارچوب مبانی فوق، مفهوم روان و آسان از

پدیده یکسان‌سازی نرخ ارز را در نمودارهای سه گانه (الف، ب، پ) می‌توان توضیح داد، بدینسان که اگر بنگاه‌های اقتصادی را به طور عام - حتی خانواده - به دو گروه زیان‌ده و سودآور^(۱) روی محور افقی قرار دهیم و محور عمودی را نرخ تبدیل ارز در دو قیمت ۱۷۵۰ ریال و ۸۰۰۰ ریال در نظر بگیریم، پراکندگی بنگاه‌ها در شرایط فعلی (نمودار الف) به صورتی است که برخی از بنگاه‌ها به ناچار در شرایط ضرر و زیان قرار دارند، زیرا محصول و خدمات ارایه شده آنها با قیمت‌های مبادلاتی نمی‌توانند هزینه‌های کل را پوشش دهند. در این شرایط، تخمین منحنی ترتیب استقرار (Location Order Curve - LOC) با توجه به نسبت بهره‌گیری از قیمت‌های متفاوت نرخ ارز طی سال‌های گذشته نشان داده شده است. حال، انتظار این است که با تثبیت نرخ ارز دو اتفاق

نمودارهای منحنی ترتیب استقرار LOC در حالت‌های مختلف شرایط موجود (الف) و شرایط آتی تثبیت نرخ ارز (حالت ب و پ)



○ تعطیلی، اعتصاب، تهدید و جو سازی‌ها نباید نظام بانکی را از هماهنگ سازی خود بسا سیاست‌های بین‌المللی دور سازد.



اقتصادی از چهار سال تجاوز نمی‌کند، لذا این پدیده خود نوعی ناپایداری مدیریت اقتصادی را منعکس می‌سازد و در نتیجه، طرح‌های توسعه در ساختار واحدهای صنعتی یا تضادهای نظری جابجایی مدیریت رویارو هستند.

(۵) این مفروضات در مصاحبه با مقامات مسوول کشور طی سال‌های گذشته حسب موضوعات مورد بحث مطرح شده‌اند.

(۶) نویسنده به واژه "اقتصاد بیمار" معتقد نیست، زیرا طیف بیماری بسیار گسترده است و در هر شرایطی مسایل اقتصادی با واژه تخصصی خاصی تعریف می‌شوند (مثل رکود اقتصادی)، اما از آنجا که این اصطلاح در جامعه مورد استفاده قرار می‌گیرد، لذا آن را به عنوان یک نوع طبقه‌بندی سیاسی قبول می‌کنیم.

(۷) تضاد نظری بین گروه‌های سیاسی حاکم باعث شده است که مخالفان رویه‌های اصلاحات - نوسازی جامعه، تصویر نگران‌کننده‌ای از آثار سوء بحران‌های اقتصادی را مطرح نمایند. حمایت‌های رسانه‌ها در بزرگ کردن موضوع هم ابهامانی (Illusion) را ایجاد کرده، به طوریکه ابعاد واقعی بحران اجتماعی چندان مشخص نیست.

(۸) رفتارهای اجتماعی، باورهای فرهنگی حاکم را نشان می‌دهند، لذا اجرای هر سیاستی در کوتاه مدت با مانع فرهنگی روبرو نیست، اما در میانمدت، مانع فرهنگی خود را نشان می‌دهند، و در درازمدت هم تئوری‌ها دچار تغییر ماهوی می‌شوند.

(۹) توضیح اینکه از سال ۱۳۷۶، توسعه سیاسی بر توسعه اقتصادی پیشی گرفته است.

(۱۰) در مورد خانواده، پیشی گرفتن متوسط هزینه خانوار بر متوسط درآمد خانوار نیز به معنی زیان‌ده بودن است.

بیفتد: اول اینکه، نرخ مبادله ارز در قیمت تثبیت شده، آرایش بنگاه‌های سودآور را به سمت کاهش نرخ ارز و شرکت‌های ضررده را به سوی افزایش نرخ ارز برای حداکثر استفاده از فرصت‌های از دست رفته جهت‌گیری خواهند نمود - با توجه به شرایط توان صادراتی و رقابتی این جهت‌گیری صورت می‌گیرد (نمودار ب). دوم اینکه، نرخ مبادله ارز در قیمت تثبیت شده عکس حالت فوق را باعث می‌شود، یعنی بنگاه‌های سودآور به سمت افزایش نرخ ارز و شرکت‌های ضررده برای استفاده مطلوب از فرصت‌ها (منابع) به سوی کاهش نرخ ارز روی خواهند آورد.

این موضوع، در شرایطی تحقق می‌یابد که زمان تثبیت نرخ مبادلاتی ارز در بازار با زمان هماهنگ کردن بنگاه با شرایط بازار پولی همزمان باشد یا با حداقل تأخیر صورت گیرد و در صورتیکه بین سیاست‌های مالی و پولی هماهنگی مناسبی وجود نداشته باشد، مجدداً قیمت‌های متفاوت نرخ تبدیل ارز را با توجه به تفوق هر یک از حالات «ب» و «پ» بر یکدیگر می‌توان پیش‌بینی نمود.

منابع و توضیحات

1) Parkin, Michael/1994/Economics/2nded./Addison Wesley/P.731.

۲) مأخذ فوق/صفحه ۸۰۴

۳) سال‌های ۷۶-۱۳۶۸ دوران پس از جنگ تحمیلی، دوران سازندگی نامیده شده است.

۴) از آنجا که میانگین طول دوران مدیریت بنگاه‌های

گذر از نظام چندگانه ارزی به سیستم نرخ واحد ارز

دغدغه‌ها و دستاوردهای مورد انتظار

شدت گرفتن جریان مبادلات سرمایه‌های خارجی از دهه ۱۹۷۰، بر پیچیدگی سیاست‌گذاری‌های اقتصادی افزوده و روند فزاینده ادغام اقتصادهای ملی در اقتصاد جهانی، فرآیند هدف‌گذاری و ابزارسازی متغیرهای اساسی اقتصاد را دشوارتر نموده است. در این راستا، تنظیم رفتار نرخ ارز و ایجاد یک رژیم ارزی مطلوب و سازگار با شرایط کلان اقتصاد کشور، از موضوعات و سؤالات مهم پیش روی

چکیده

تحلیل نرخ برابری پول ملی و تنظیم چارچوب خاص برای تعیین ارزش و دامنه نوسان آن، یکی از زمینه‌های عمده نظری و تجربی علم اقتصاد در چهار دهه اخیر بوده است. برقراری نظام نرخ‌های شناور همراه با

○ وجه بارز نظام ارزی حاکم بر اقتصاد ایران طی دو دهه اخیر، همانا مداخله گسترده و مکرر دولت در بازار ارز و تخصیص اداری آن در نرخ‌های ترجیحی بوده است.